

# شجاعت نوآوری!

انتخاب: شهلا فهیمی

کلید واژه‌ها: نوآوری، خطرپذیری

نوآوران بیشتر از مدیران عادی سؤال می‌پرسند و بیشتر از آن‌ها مشاهده، آزمایش و شبکه‌سازی می‌کنند، چرا؟ در بررسی انگیزه‌های نوآوران، دو درون مایه مشترک کشف شده است.

۱. آن‌ها فعالانه خواهان تغییر وضعیت فعلی هستند.

۲. همواره برای بروز تغییر، خطر می‌کنند.

تشابه زبان و ادبیات نوآوران در توصیف انگیزه‌هایشان بسیار مهم است. یکی می‌خواهد «تاریخ را بسازد»، دیگری می‌خواهد «دنیا را تکان دهد»، آن یکی در پی آن است تا ویرانگری کرده، اما دنیا را «جای بهتری برای زندگی کند». این نوآوران، تعصب به وضع موجود را کاملاً از بین می‌برند.

پذیرش مأموریت برای تغییر، خطرپذیری و اشتباه کردن را آسان‌تر می‌سازد. برای بیش‌تر نوآوران، اشتباه مایه‌ی شرمندگی نیست. در حقیقت، همیشه توقع اشتباه وجود دارد. اشتباه هزینه‌ی کسب و کار است. صاحب‌نظر بزرگی می‌گوید «اگر مدیران خطر نکنند، یعنی کارشان را در قبال مشتریان و سهام‌داران درست انجام نداده‌اند؛ چون بلند پرواز نبوده‌اند».

خلاصه آن که نوآوران برای تبدیل ایده‌ها به آثار قدرتمند، بر «شجاعت نوآوری» تکیه می‌کنند. شجاعت نوآوری، یعنی مخالفت با وضعیت فعلی و عزمی راسخ برای خطرپذیری. ■

پی‌نوشت

۱. گرایش به ترجیح دادن وضعیت موجود به گزینه‌های دیگر

تغییر و تحول هزینه‌بر است و این هزینه باید تامین شود. دولت موظف است این هزینه‌ها را در حدی که استطاعت دارد، تامین کند. ما هم مصریم که دولت حتی بیش از آن چه که تا به حال اهتمام داشته و سرمایه‌گذاری کرده است، سرمایه‌گذاری کند.

اما با تمام این اوصاف، اگر واقع‌بینانه بخواهیم با موضوع برخورد کنیم، معتقدیم تحول در آموزش و پرورش با اتکالی انحصاری به منابع دولتی اتفاق نمی‌افتد. باید زمینه‌ای را فراهم کرد که با رعایت موازین قانونی، زمینه‌ی کسب درآمد مشروع در راستای ارائه‌ی خدمات تربیتی مؤثر در مدرسه فراهم شود.

□ **سؤالی که به ذهن‌خورد می‌کند، این است که با توجه به قانون رایگان بودن تحصیلات در قانون اساسی، تکلیف چیست؟**

■ ما معتقدیم دو نوع برخورد با این موضوع داشته باشیم. برخی معتقدند که اصل ۳۰ قانون اساسی را می‌توان بازنگری کرد. عده‌ای دیگر معتقدند که نیازی به این کار نیست که درخواست بازنگری شود؛ به طوری که می‌توان با رعایت اصل ۳۰ قانون اساسی و با تفسیری که شورای نگهبان قبلاً ارائه داده است (و بر اساس آن تفسیر، مدارس غیردولتی و مدارس نمونه دولتی پدید آمد) می‌توان مجرای کسب درآمدهای مکمل را برای مدرسه فراهم کرد.

□ **آن چه که دولت به مدرسه‌ها می‌دهد، تکافو نمی‌کند؟**

■ حتی باید بیشترش هم بکند، بودجه‌ی پرداختی تکافو نمی‌کند و برای این مقدار هم اصل ۳۰ قانون اساسی مانع نیست؛ چه بسا مدارس غیردولتی، نمونه دولتی و نمونه مردمی یا همان هیئت امنایی که هم‌اکنون در قبال خدمات ویژه‌ای که ارائه می‌دهند، مبلغی را دریافت می‌کنند. لذا راه کارهای قانونی این قضیه باز است. منظور من نیز این نیست که دولت از وظیفه‌ای که قانون اساسی برعهده‌اش گذاشته است، کوتاه بیاید؛ بلکه دولت و منابع دولتی باید کما فی‌السابق، حتی بیشتر از گذشته، در خدمت توسعه آموزش و پرورش باشند. اما اگر واقع‌بینانه بخواهیم برخورد کنیم، اهداف ما به آن شکلی که در سند تحول دیده‌ایم، با اتکالی انحصاری به منابع دولتی دست‌یافتنی نیست؛ مردم باید تشویق شوند که در این راستا سرمایه‌گذاری کنند.

□ **از توضیحات تکمیلی شما سپاس گزاریم. به هر حال ما نیز فکر می‌کنیم این که مردم بتوانند به آموزش بچه‌هایشان کمک کنند، حششان است. این حق من پدر است که بتوانم به مدرسه‌ام کمک کنم، نه وظیفه‌ی من. دولت وظیفه‌اش است که به آموزش و پرورش کمک کند. به نظرم فرهنگ‌سازی با این معنا، یعنی از زاویه‌ی حق درست‌تر است. (ادامه این گفت‌وگو را در شماره‌ی بعد بخوانید). ■**

